

تفسیر احمد

سورہ زلزله



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمه و تفسیر سورہ زلزله
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره زلزله

سوره زلزله

این سوره در «مدینه» نازل شده و دارای 8 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَسْتَاتًا لَّيْرُوا

أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

معلومات موجز:

نام این سوره (زلزله) است که از آیه اول سوره گرفته شده است. امام ابن‌کثیر گفته است که این سوره مکی، و دارای (1) رکوع، و (8) هشت آیت، (37) سی و هفت کلمه، (158) یک صد و پنجاه هشت حرف، و (83) هشتاد و سه نقطه است.

ولی برخی دیگری از مفسرین این سوره را مدنی می خوانند، ولی مضمون سوره و شیوه بیان آن برمکی بودن سوره گواهی می دهد، چون بحث در آن از معاد و رستاخیز و محاسبه الهی یکی از مضامین اصلی سوره های مکی است و آیت های سوره نیز کوتاه، دارای وزن خاص و شبیه سور های مکی است که در آنها مطالب زیاد، دقیق و عمیق در الفاظ محدود و جملات کوتاه و دارای وزن افاده می شود.

مطالب و محتوا کلی این سوره عمدتاً بر سه محور اساسی می چرخد: در قدم اول بحث خود را از «اشراف الساعة» و نشانه های وقوع قیامت آغاز می کند، و به تعقیب آن بحث از شهادت زمین به تمام اعمال انسانها را بیان میدارد.

در بخش دیگر از تقسیم مردم به دو گروه «نیکوکار» و «بدکار» و رسیدن هرکس به اعمال خود سخن بعمل می آورد.

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (1) «هنگامی که زمین در نفخه اول به شدت و پیاپی تکان داده شود».

«وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (2) «و زمین بارهای سنگین خود را بیرون می افکند».

«وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» (3) «و انسان می گوید: آن را چه شده است؟».

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (4) «آن روز (زمین) از خبرهای خود سخن می گوید».

«بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (5) «چرا که پروردگارت به آن حکم کرده است».

«يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَسْتَاتًا لَّيْرُوا أَعْمَالَهُمْ» (6) «در آن روز مردم به (حال) پراکنده بر آیند تا (کیفر) اعمالشان به آنان نماینده شود».

سوره زلزله

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (7) «پس هرکس به اندازه ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید».

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (8) «و هرکس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده باشد (کیفر) آن را خواهد دید».

پیام‌های سوره:

- 1- زلزله بزرگ زمین در آستانه قیامت، امری قطعی و حتمی است. «اذا زلزلت الارض زلزالها» (زیرا کلمه «اذا» در موردی بکار می‌رود که امر قطعی باشد).
- 2- معاد جسمانی است. (جسم انسانها در زمین دفن شده که در قیامت خارج می‌شود، نه روح آنها) «اخرجت الارض ائقالها»
- 3- قیامت روز تحیر انسان است. «قال الانسان ما لها»
- 4- هستی شعور دارد. «یومئذ تحدث اخبارها»
- 5- زمین از گواهان قیامت است. «یومئذ تحدث اخبارها»
- 6- در قیامت راه هرگونه انکار بسته است. «یروا اعمالهم»
- 7- همه مردم در محمکه الهی عدل الهی یکسان‌اند. «فمن يعمل... فمن يعمل...»
- 8- کیفر و پاداش الهی، بر اساس عمل است. «فمن يعمل... فمن يعمل...»
- 9- عمل هر چه هم کوچک باشد، حساب و کتاب دارد. لذا نه گناهان را کوچک شمرد و نه عبادات را. «مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»
- 10- تجسم و دیدن عمل در آن روز خود عذاب یا لذت است.

اسباب نزول:

اسباب نزول سوره «زلزال» این بود که کفار از روز قیامت و حساب بسیار سؤال می‌کردند و می‌گفتند: «أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»: «روز قیامت چه وقت است؟» «سوره القیامه/6» و مانند این از سؤالات دیگر در این مورد... پس خداوند جلّ جلاله در این سوره از نشانه‌های قیامت برایشان سخن گفت نه از وقت آن تا بدانند که علم قیامت فقط نزد اوست و هیچ راهی به سوی تعیین وقت آن برای آنان وجود ندارد.

فضیلت سوره زلزله:

در باره فضیلت این سوره احادیثی آمده است از آن جمله حدیث شریف ذیل به روایت انس بن مالک رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و سلم به مردی از یاران خود فرمودند: «ای فلان! آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفت: یا رسول الله! به خدا سوگند که من چیزی ندارم تا با آن ازدواج کنم!! فرمودند: آیا قُلُّ هُوَ اللهُ أَحَدٌ همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره ثلث (یک‌سوم) قرآن است. فرمودند: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره ربع (یک‌چهارم) قرآن است. فرمودند: آیا قُلُّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره نیز ربع (یک‌چهارم) قرآن است. فرمودند: آيا «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا» همراه تو نیست؟ گفت: چرا، هست. فرمودند: این سوره نیز ربع (یک‌چهارم) قرآن است؛ پس ازدواج

سوره زلزله

کن».

همچنان در حدیثی دیگری از: حضرت انس و ابن عباس روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: سوره «زلزال» نصف قرآن و «اخلاص» یک سوم قرآن و «کافرون» یک چهارم قرآن است. (رواه النسائی و ابن ماجه عنها)

محتوا سوره:

به طور کلی موضوعات مطرح شده در این سوره عبارتند از: وقوع زلزله هولناک زمین در هنگامه رستاخیز، بیان این حقیقت که در هنگامه قیامت و با وقوع زلزله شدید آن زمین بارهای سنگین خویش را بیرون می افکند بارهایی که به نظر بسیاری از مفسران تعداد عظیم انسان هایی است که از درون قبرها بر می خیزند، اشاره به این که در آن روز انسان علت حوادث را جویا می شود، تصریح به این حقیقت که زمین در آن روز عظیم تمامی اخبار خویش را بازگو می کند، تصریح به این حقیقت که وقایع آن روز به اشاره الهی است، اشاره به برانگیخته شدن انسان ها به صورت گروه های مختلف از درون قبرها اشاره به حساب و کتاب دقیق اعمال انسان در آن روز و این که هرکس حتی به اندازه ذره ای نتیجه عمل خویش را خواهد دید.

از مهمترین محورهای سوره مبارکه زلزال اشاره به زلزله وحشتناک روز قیامت است که در اصطلاح بر آن نفخ صور اول می گویند. در این روز انسان ها از این اتفاقات به شگفت می آیند. پیام این قسمت سوره مبارکه زلزال آن است که قبل از فرارسیدن این روز مومنان خود را باید برای حضور در صحنه رستاخیز آماده کنند. در بخش دوم سوره زلزال به برخورد انسان با اعمالش در روز قیامت اشاره شده در واقع حساب رستاخیز بسیار دقیق است و انسان ها باید مراقب اعمال خود باشند.

سوره زلزله با معرفی زمین به عنوان یکی از شاهدان اعمال، تأثیر بسزایی در مخاطبان خود به جا می گذارد، زیرا اگر کسی به این حقیقت توجه کند که زمینی که بر آن ایستاده و درختان و کوه ها و سایر اشیائی که در اطراف او هستند، همچون چشمانی بیدار همه حرکات و افکار او را ثبت می کنند و روزی علیه او گواهی خواهند داد، هیچ گاه خود را تنها نمی یابد و به خود جرأت گناه نمی دهد.

وجه تسمیه:

این سوره به سبب افتتاح با خبر دادن از حادثه زلزله سخت، قبل از رسیدن و آمدن روز قیامت، «زلزله» یا «زلزال» نامیده شد.

تفسیر سوره زلزله:

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (1) آن گاه که زمین به شدت تکان می خورد و به لرزه انداخته می شود و کوه های آن از هم می پاشد و تپه ها برابر می شوند و زمین به میدانی صاف و همواره و بدون فراز و نشیب تبدیل می شود.
و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند. و انسان با خود بگوید: زمین را چه شده است؟ (که اینگونه سخت می لرزد). در آن روز زمین خبرهای خود را بازگو کند. چرا که

سوره زلزله

پروردگارت به آن وحی کرده است. در آن روز مردم به طور پراکنده (از قبرها) بیرون آیند تا کار هایشان به آنان نشان داده شود. پس هر کس به مقدار ذره‌ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند. و هر کس هم وزن ذره‌ای کار بد کرده باشد آن را ببیند.

« إِذَا... »: اشاره به زلزله شدید قیامت است (مراجعه شود به سوره: حج / 1).

کلمه (زُلْزَلَتْ) یعنی به شدت تکان خورد و پریشان شد و زمین با لرزه بزرگ خود که آخرین لرزیدن آن است به شدت ناموزون شد. و این ماهیت زلزله قیامت است که زلزله‌های دنیا نمونه‌های کوچک و محدود آن هستند.

« زُلْزَلَتْهَا »: زلزله‌ای که مخصوص زمین است و چگونگی و شدت آن را تنها پروردگار با عظمت می‌داند.

از روایات اسلامی و تفاسیر تعدادی کثیری از علماء اسلام طوری معلوم می‌شود که: دفینه‌ها، قبلاً بیرون می‌آیند، ولی ممکن است دفینه‌هایی که قبل از قیامت بیرون آمده بودند، به مرور زمان زیر خاک رفته مدفون گردند، سپس در روز قیامت بیرون آیند، شاید حکمت ظاهر شدن دفینه‌ها این باشد که دوستداران مال با چشم خود ببینند، که مال، بیکار مانده است، و انسان (کافر با مشاهده‌ی این وضع) می‌گوید که چه شد این را (که زمین این چنین می‌لرزد و همه دفینه بیرون می‌آیند) در آن روز زمین همه (سخنان خوب و بد) خود را بیان می‌کند، زیرا دستور و هدایت پروردگار با عظمت چنین است.

در ترمذی و غیره کتب احادیث در حدیث مرفوعی آمده است، هر کسی که بروی زمین چه عملی انجام داده باشد فرق نمی‌کند چه اعمال خوب باشد و یا هم اعمال بد، زمین یک یک آنرا بیان می‌کند، و این گواهی و شهادت آن می‌باشد (در آن روز مردم به گروه‌های مختلف در آمده (از موقف و حساب) بر می‌گردند (کسانی که از حساب محشر فارغ شده اند بر می‌گردند، برخی جنتی و برخی جهنمی قرار گرفته به جنت و دوزخ می‌روند) تا که (ثمرات) حال خود را ببینند، پس کسی که (در دنیا) به قدر ذره‌ای نیکی می‌کند آن را خواهد دید، و کسی که به قدر ذره‌ای بدی می‌کند آن را خواهد دید (به شرطی که تا آن وقت آن بدی و نیکی بر قرار بماند، و الا اگر به سبب کفر آن نیکی به باد رفته باشد و یا به سبب ایمان و توبه، بدی عفو گردد، آن مشمول این نمی‌باشد، زیرا نه آن نیکی باطل شده نیکی است و نه بدی عفو شده شر و بدی می‌باشد، لذا در میدان محشر آنها در جلو نمی‌آیند).

امام بخاری در حدیثی از حضرت ابوهریره روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد وقت یکی از علایم قیامت فرموده است: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که علم از میان مردم برداشته می‌شود، و زلزله‌های فراوان به وقوع می‌پیوندد و زمان

(برای طی مسافت) به هم نزدیک می‌شود و فتنه‌ها و بی‌بند و باری که همان قتل و کشتار است زیاد می‌شود و مال و ثروت شما بسیار شده و به وفور یافت می‌شود». (به روایت بخاری، حدیث شماره (989).

مفهوم زلزله بزرگ قیامت را تا حدودی برای ما روشن می‌سازند، قیامتی که خداوند و عده شکنجه کافران را در آن داده است و می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ

سوره زلزله

السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» (سوره حج : 1) «ای مردم! از پروردگارتان بترسید، واقعاً زلزله قیامت چیز بزرگی است».

«وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (2) و زمین گنجها و مرده های بطن خود را در نفخه دوم بیرون می اندازد». منظور از سنگینی زمین انسان است، عبارت از همان مخلوق مکلفی که برای بهشتی به پهنای آسمانها و زمین خلق شده است. او وزین و سنگین است زیرا قبول امانت نموده و خداوند آسمانها و زمین را برای وی رام کرده و جانشین خود در زمین ساخته است که اگر عقل او بر شهوتش چیره گردد از ملائکه برتر و اگر شهوت او بر عقلش چیره گردد از حیوانات پست تر است.

امام طبری در جلد 30، صفحه 265 تفسیر خویش می نویسد: « زمین جسم همه مردگان را به صورت زنده بیرون می اندازد و مردگان درون زمین بر آن سنگینی می کند ... و ابن عباس گفته منظور مردگان هستند».

ابن کثیر نیز در جلد 4، صفحه 540 تفسیر خویش نوشته است: (یعنی آنچه از مردگان در زمین است را به بیرون پرت می کند. این نظر را چند تن از سلف ابراز داشته اند). «أَثْقَالَ» : جمع ثَقْل ، بارهای سنگین . مراد همه گدازه ها و دفینه ها و گنجینه ها و اموات و جز اینها است (مراجعه شود به سوره : عنکبوت / 13 ، و سوره : نحل / 7). «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» (3) و انسان می گوید : زمین را چه شده است ؟ این گفته انسان از روی تعجب و ترس است.

«الْإِنْسَانُ» : انسانی که تکانهای غیر عادی و دگرگونیهای وحشتناک زمین را می بیند . با خود می گویند « مَا لَهَا » : زمین را چه خبر است ؟ آن را چه شده است ؟ «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» (4) در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای از اعمال نیک و بد ساکنان خود انسانها ی خود را به زبان قال یا حال خواهد گفت که چه چیزهایی بر آن گذشته است)

« يَوْمَئِذٍ » : در آن روز . بدل از (إِذَا) است . « تُحَدِّثُ » : سخن می گوید . بازگو می کند . این سخن گفتن و بازگو کردن، یا به زبال قال است و زمین شاهد و ناظر اعمال انسانها بوده است ، و یا این که به زبان حال است. یعنی وضع زمین بدان هنگام بیانگر همه چیز خواهد بود ، و در چنین روزی حق و باطل پدیدار خواهد شد. « أَخْبَارَهَا » : اخبار زمین ، اوضاع و احوالی است که در آن زمان به چشم می خورد ، یا اعمال و افعالی است که مردمان بر روی آن انجام داده اند و اینک بدانها گواهی می دهد . چرا که همه چیز در جهان ثبت و ضبط است .

«بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» (5) «بدان سبب است که پروردگار تو به او (زمین) پیام داده است» . (که چه بشود و چه بگوید) .

منظور اینست که خداوند، زمین را بر سخن گفتن توانا کرده و امر به کلام نموده است. «بِأَنَّ رَبَّكَ . . .» : حرف باء، سببیه است. «أَوْحَى» : پیام داد، فرمان داد (مراجعه شود سوره : نحل / 68) .

«يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» (6) «در آن روز، مردمان پراکنده

سوره زلزله

بیرون می‌آیند». (ور هسپار صحرای محشر می‌شوند) تا نتیجه اعمال خویش را ببینند). یعنی فرد فرد و متفرق، بدون تجمع، بدون همفکر و همراه و همکار، بدون هیاهو و غالمغال و تکبر با این حال که خداوند در آیه 65 سوره یس وصف نموده است: «امروز بر دهانهایشان، مُهر می‌نهمیم و دستانشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان بر دستاوردهایشان گواهی می‌دهند».

« یصْدُرُ »: بیرون می‌آیند.

« أَشْتَاتًا »: جمع شتیت، پراکنده‌ها. مراد دسته دسته و فرد فرد است. حال است.
« لیرُوا »: تا بدی شان نمایانده شود.

مفسرین می نویسند: مردم در روز قیامت بر احوال مختلف و پراکنده‌ای از گورهای خود به سوی محل و ایستگاه های حساب بیرون می‌آیند؛ برخی از آنان ایمن و مطمئنند و برخی ترسناک، برخی به رنگ اهل بهشت‌اند که رنگ سپید است و برخی به رنگ اهل دوزخ که رنگ سیاه است، برخی به سمت راست باز می‌گردند و برخی به سمت چپ چنان که در ادیان و اعمال خویش نیز متفرق‌اند. اما این‌کثیر در تفسیر آن می‌گوید: «مردم از موقف حساب گروه‌گروه باز می‌گردند». یعنی: در حالی که به انواع و اصناف مختلفی تقسیم شده‌اند، از شقی گرفته تا سعید و از بهشتی تا دوزخی. آری! باز می‌گردند: «تا اعمالشان به‌آنان نشان داده شود» یعنی: تا خداوند جلّ جلاله اعمالشان را به آنان ارائه نماید و بگوید: اینک این شما و این هم اعمالتان. یا معنی این است: تا خداوند جلّ جلاله جزا و نتیجه اعمالشان را به آنان نشان دهد.

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (7) وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8)» پس هر کس به اندازه ذره غباری کار و عمل نیک انجام دهد، و یا بدی کسب نموده باشد، پاداش و سزای خود را خواهد دید.

« مِثْقَالَ ذَرَّةٍ »: به اندازه ذره خاک (برخی آن را مورچه ریز می‌دانند که نماد ریزی در میان عربها است). (ملاحظه شود سوره: نساء / 40، سوره یونس / 61)
همچنان علماء: در مورد کلمه « ذَرَّةٍ » می نویسند که:

ذره: عبارت از گرد و غباری است که در شعاع آفتاب دیده می‌شود. در حدیث شریف آمده است: «هیچ کس نیست مگر این‌که خود را در روز قیامت ملامت می‌کند زیرا اگر نیکوکار باشد، با خود می‌گوید: چرا بر نیکوکاری خود نیفزودم؟ و اگر غیر از این باشد هم می‌گوید: چرا از گناهان دست نکشیدم؟» و این امر در هنگام مشاهده ثواب و عقاب است. ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «آیه فَمَنْ يَعْمَلْ ... محکمترین آیه در قرآن کریم است».

اسباب نزول آیه 7-8 سوره زلزله:

ابن ابو حاتم از سعید بن جبیر روایت کرده است: چون خدای پاک آیه « ويطعمون الطام علم حبه ... » (سوره انسان آیه 8) را نازل کرد، گروهی از مسلمانان فکر کردند هر گاه در راه الله چیز کم و اندک ببخشند پاداش داده نمی‌شوند. و عداه ای دیگر می‌اندیشیدند به سبب ارتکاب گناهان کوچک، دروغ، چشم‌چرانی، غیبت و مانند اینها توبیخ و سرزنش میشوند و مدعی بودند که خدا تنها به سبب گناهان کبیره آنها را به دوزخ می‌

سوره زلزله

اندازد و بس . پس خدا جل جلاله : « وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ » نازل شد .
خواننده محترم !

قابل تذکر است که: علما بر عام بودن این آیه اتفاق نظر دارند. کعب احبار می‌گوید: «خداوند جلّ جلاله بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم دو آیه نازل کرده است که تمام آنچه را در تورات، انجیل، زبور و صحیفه‌هاست، دربر گرفته‌اند، این دو آیه عبارت‌اند از: « فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ».

همچنین در حدیث شریف به روایت ابن جریر و ابن‌ابی‌حاتم آمده است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه به رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفت: یا رسول‌الله! آیا من در روز قیامت همسنگ ذره‌ای از عمل شر را که عمل کرده باشم، می‌بینم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ای ابابکر! ناخوشی‌هایی که در دنیا می‌بینی، کفارہ مثقالهای ذره شر است اما خداوند جلّ جلاله مثقالهای ذره خیر را برای تو ذخیره می‌کند تا این‌که در روز قیامت آنها را باز می‌یابی».

وظیفه کاری شیطان در روز حشر:

قبل از همه باید گفت: که از احادیثی و روایات اسلامی طوری معلوم می‌گردد که با برپایی قیامت و دمیده شده نفخ صور همه موجودات خواهند مُرد و قطعاً در این جمله: ابلیس نیز مانند سایر انس و جن از بین خواهد رفت، اما کیفیت نابودی و مردن وی بر ما مشخص نیست، جز اینکه مطابق فحوی کلی سوره «زلزله» باید بگوییم که: در هنگام نفخ صور اول زلزله بسیار هولناکی اتفاق می‌افتد که از ترس آن زن شیرده نوزاد شیرخواره اش را فراموش می‌کند.

در قرآن کریم آمده: « قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ » (سوره ص 79-81). یعنی: ابلیس «گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که مردمان برانگیخته می‌شوند، مهلت ده» یعنی: مرا شتابان نمیران و به من تا یک نهایی مهلت ده که آن نهایت، روز برانگیخته شدن آدم و نسل وی بعد از مرگشان است. خداوند متعال «فرمود:» پذیرفتم «تو از مهلت‌یافتگانی تا روز معین معلوم» که من آن را برای فَنای خلائق مقدر و معین کرده‌ام.

در این آیه ذکر شده که ابلیس تا «وقت معلوم» فرصت دارد، اما علما و مفسرین در معنای آن دو نظر دارند:

اول: اجل ابلیس مشخص است و علم آن تنها نزد خداوند است که چه وقت اجلش به سر خواهد رسید.

دوم: گروهی از مفسرین گفته‌اند که: آن وقت دمیدن نفخه دوم و هنگام برانگیخته شدن خلائق است.

دلیل این‌که ابلیس تا روز رستاخیز مهلت خواست، این بود که از مرگ نجات یابد زیرا اگر او تا روز رستاخیز مهلت می‌یافت، نمی‌مرد پس خداوند متعال او را مهلت داد اما نه تا روز رستاخیز بلکه تا روز «صعق» که روز مرگ همه مخلوقات است:

« وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

سوره زلزله

أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (سوره زمر 68) «و در صور دمیده می‌شود پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بی‌هوش در می‌افتند» این همان نفخه دوم یا نفخه «صعق» است.

صعق: عبارت از مرگ فوری است. صور: بوق یا شاخی است که اسرافیل در آن می‌دمد و از بس صدایی هولناک دارد، تمام اهالی آسمانها و زمین از ترس آن می‌میرند». سوم: اکثر علما فرموده اند که منظور از «وقت معلوم» یعنی نفخه اول (فزع) است که دمیده می‌شود که جمیع خلائق می‌میرند، یعنی حتی بعد از نفخه دوم هم نیست، زیرا نفخه دوم برای برانگیخته شدن پس از مردن است. و رأی ابن عباس رضی الله عنه هم همان نفخه اول است.

بعضی نفخه فزع و صعق را یکی نمی‌دانند، اما در کتاب «تذکره» امام قرطبی آمده است: «نفخه فزع همان نفخه صعق است، چون ترس و وحشت لازم و ملزوم همدیگرند، مردم ابتدا دچار ترس و هراس صدای قیامت می‌شوند، سپس جان به جان آفرین تسلیم می‌کنند».

اما در قیامت سخت ترین عذاب برای اوست، و هیچگاه پایانی بر عذابش وارد نمی‌شود و تا ابد در عذاب سخت الهی قرار می‌گیرد. خداوند متعال بعد از آنکه به شیطان مهلت داد، به وی وعید می‌دهد که: «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ * لِأَمَلَانَ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص 84-85). یعنی: فرمود: «به حق سوگند، و حق می‌گویم، که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!». بدین‌گونه، خداوند عزوجل سوگند یاد می‌کند که ابلیس و پیروانش را به دوزخ وارد خواهد کرد تا بدانجا که دوزخ از آنان پر و انباشته شود.

چگونگی حشر انسانها در روز قیامت:

مفسرین در مورد اینکه انسانها در روز قیامت در چه حالت بدنی حشر می‌شوند، می‌نویسند: انسانها در روز حشر در حال پا برهنگی، لخت و غیر ختنه شده حشر خواهند شد. این علماء استدلال خویش را به حدیث، صحیح مسلم و بخاری که از ابن عباس رضی الله عنه روایت گردیده مستند می‌سازند: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّكُمْ مَحْشُورُونَ حَفَاءَ عُرَاهُ عُرْلًا ثُمَّ قَرَأَ: «كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (سوره الانبیاء: 104). (شما پابرهنه، لخت و غیر ختنه شده مبعوث خواهید شد، سپس آیه ذیل را از قرآن برای یاران تلاوت فرمود: (همان گونه که (نخستین بار سهل و ساده) آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می‌دهیم).

محدثین می‌افزایند: زمانیکه حضرت بی بی عایشه رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که مردم روز قیامت عریان و برهنه حشر خواهند شد، عرض کرد: ای پیامبر الله! زنان و مردان همه به سوی همدیگر نگاه خواهند کرد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای عایشه، صحنه خطرناکتر از این خواهد بود که مردم بسوی همدیگر نگاه کنند. (مشکاة المصابیح: 57/3).

البته در بعضی روایات آمده است که انسان در همان لباسی که هنگام مردن به تن داشته،

سوره زلزله

حشر می شود، ابوداود، ابن حبان و حاکم از ابوسعید خدری نقل کرده‌اند که هنگام احتضار از اطرافیان خواست تا لباس تازه‌ای برای او بیاورند، سپس آنرا پوشید و فرمود از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده‌ام که می فرمود: «إِنَّ الْمَيِّتَ يَبْعَثُ فِي ثِيَابِهِ الَّتِي يَمُوتُ فِيهَا» سلسله احادیث الصحیحة، شماره 1671. (همانا میت در همان لباسی که در آن رحلت کرده است، حشر می شود). حاکم این حدیث را صحیح و موافق با شرایط صحیح بخاری و مسلم قرار داده است. امام بیهقی با سه روش میان این حدیث و حدیث گذشته توافق ایجاد نموده است:

1 - لباسی که هنگام مرگ به تن داشته‌اند، بعد از بلند شدن از قبر پاره می شود، در نتیجه برهنه و لخت در مقابل حشر قرار می گیرند، اما بعد از موقف حشر لباس بهشتی به تن می کنند.

2- زمانی که پیامبران و بعد از آنها صدیقین و به دنبال صدیقین بنا به مراتب، انسانهای دیگر لباس می پوشند، جنس لباس هر کدام از همان لباسی است که هنگام مرگ به تن داشته است، ولی هنگام ورود به خلد برین لباس بهشتی به تن می کنند.

3- منظور از لباس در حدیث بعدی، اعمال هستند، یعنی هر انسانی در حال انجام عملی حشر می شود که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است، خداوند می فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (سوره الأعراف: 26) (لباس تقوا و ترس از خدا، بهترین لباس است).

«وَتِيَابِكُمْ فَطَهِّرُوا» (سوره المدثر: 4) (و جامه خویش را پاکیزه دار (و خویشان را از آلودگیها پاک گردان).

امام بیهقی برای توجیه جواب سوم به حدیثی از کاکایش استدلال می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: «يَبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَىٰ مَا مَاتَ عَلَيْهِ». (النهاية ابن کثیر 288/1). (هر انسان در حال انجام عملی مبعوث و محشور می گردد که موقع مردن مشغول انجام آن بوده است).

هر چند از حدیث جابر در صحیح مسلم نمی توان استنباط کرد که انسان در همان لباسی حشر می شود که در آن وفات کرده است، چون مفهوم حدیث بنا به دلایل دیگر این است که انسان اگر هنگام مرگ بر کفر یا ایمان، شک یا یقین جهان را وداع گفته باشد در قیامت هم بر همان حال و وضعیت زنده می شود و به بارگاه الهی می شتابد، همانگونه که در حدیث دیگر آمده انسان بر همان کرداری حشر می گردد که هنگام مرگ آنرا انجام می داد، حدیث مسلم از عبدالله بن عمر این مفهوم را تأیید می نماید که می فرماید از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ عَذَابًا أَصَابَ الْعَذَابُ مَنْ كَانَ فِيهِمْ ثُمَّ بُعِثُوا عَلَىٰ أَعْمَالِهِمْ» (اگر خداوند اراده کند که قومی را در دنیا مجازات کند، آنها را دچار عذاب و هلاکت می سازد، سپس با همان حالت آنها را زنده می کند) صحیح مسلم: (2206/2) شماره: (2879).

اگر کسی در حالت احرام بمیرد، روز قیامت در حال لبیک گفتن حشر می شود، بخاری و مسلم از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده که مردی در سفر حج با

سوره زلزله

رسول الله صلى الله عليه وسلم همراه بود، از روی شتر خود افتاد و گردنش شکست و مرد، رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: «اغسلوه بماءٍ وسدرٍ وكفونوه في ثوبين ولا تحطوه ولا تخمروا رأسه فإنه يبعث يوم القيامة ملبياً» مشكاة المصابيح: 520/1 و شماره حدیث: 1637 می باشد. (با آب و سدر او را غسل دهید و در همان دو پارچه احرام او را کفن دهید، به او عطر نزنید و سرش را نپوشانید، چون در روز قیامت در حالت احرام و لبیک گفتن حشر خواهد شد).

شهید روز قیامت در حالی حشر می شود که از زخمش خون می ریزد، رنگ خون قرمز است، ولی بوی عطر از آن بلند می شود.

با توجه به روایات مذکوره تلقین مریض در حال مرگ در حالت مردن به لا اله الا الله مستحب است تا در حالت توحید بمیرد و روز قیامت در حالت توحید حشر شود.

یادداشت:

خداوند عیناً همان انسانهای مرده را زنده می کند، اما این آفرینش با حیات دنیوی اندکی متفاوت است، یکی از تفاوت های قابل ملاحظه این است که جسد تازه با وجود بلا و مصیبت های فراوان، نابود نمی شود، خداوند می فرماید: «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ» (سوره ابراهیم: 17). (مرگ از هر سو بدو روی می آورد و حال این که نمی میرد).

در حدیثی که حاکم با سند صحیح از عمرو بن میمون اودی روایت می کند، آمده که معاذ بن جبل بلند شد و فرمود: «یا بنی اود! انی رسول رسول الله صلی الله علیه وسلم تعلمون المعاد الی الله، ثم الی الجنة أو الی النار، وإقامة لا ظعن فیه، وخلود لا موت فی أجساد لا تموت» سلسله الاحادیث الصحیحة: (1668).

یعنی: ای بنی اود من فرستاده رسول خدا هستم، شما از برگشتن بسوی خداوند مطلع هستید، بعد از آن مسیر نهائی به سوی بهشت است یا به دوزخ، در قیامت زندگی ماندگار است و کسی کوچ نمی کند، همه برای ابد آفریده می شوند و مرگ در کسی را نمی زند، اجساد برای نابودی زنده نمی شوند.

از جمله این تفاوت ها دیدن و رویت موجوداتی است که در دنیا آنها را نمی دیدند، یا نمی توانستید آنها را ببینید، چون انسان ها در آن روز، فرشتگان و جن ها را می بینند، همچنین یکی دیگر از تفاوت ها و شگفت های قیامت این است که بهشتیان آب دهان، ادرار و مدفوع ندارند.

این تفاوت ها به معنی آن نیستند که زنده شدگان قیامت موجوداتی مخالف مخلوقات قیامت هستند، همانگونه که ابن تیمیه می فرماید: «هر دو حیات از یک جنس واحد هستند، در صفات و حالاتی با هم متفق، مشابه و متمائل هستند و در برخی حالت دیگر با هم شباهتی ندارند، بر این اساس است که قیامت را مبدأ می نامند، چون هر چیزی به اصل و اساس خودش بر می گردد، بنا بر این لفظ «اعاده» مقتضی مبدأ و معاد است». مجموع الفتاوی: (253/17).

سوره زلزله

یادداشت:

اهل جنت به بهترین و زیباترین شکل و صورت (یعنی: شکل و صورت پدر خود حضرت آدم علیه السلام وارد بهشت می‌شوند. پس هیچ شکل و صورتی کامل تر و زیباتر از صورتی که خداوند آدم ابوالبشر را بر آن آفریده است وجود ندارد. خداوند آدم را با دست های خود آفریده، آفرینش وی را به اتمام رسانده و به زیباترین صورت او را در آورده است. لذا هر کس که وارد بهشت شود، به صورت آدم و ساختار جسمی او خواهد بود. خداوند آدم را بسیار قد بلند، مانند: درخت خرما بلند آفریده است که طول او شصت ذراع بوده است. در صحیح مسلم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند آدم را به صورت خود آفریده است. بلندی قدش شصت ذراع است. لذا هر کس که داخل بهشت شود بر همان صورت آدم داخل می‌شود. طولش شصت ذراع است. بعد از آفریدن آدم ارتفاع قامت انسانها همواره رو به کاستی بوده است». صحیح مسلم، کتاب: الجنة، باب یدخل الجنة اقوام افئدتهم مثل افئدة الطیر: 2841.

و از جمله زیبایی صورت و چهره های اهل بهشت این است که مانند نوجوان بدون ریش خواهند بود. چنان به نظر می‌رسند که سر مه کشیده اند، و همهی آنها 33 ساله وارد بهشت می‌شوند.

در مسند احمد و سنن ترمذی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «یدخل اهل الجنة جرداً مرداً کانهم مکحلون ابناء ثلاث و ثلاثین». (اهل جنت در حالی وارد جنت می‌شوند که مجرد و بدون ریش هستند. چنان زیبا خواهند بود، که گوئی سر مه به چشم کشیده اند و 33 سال عمر دارند). صحیح مسلم: (7928).

یادداشت:

اهل دوزخ به شکل و صورتی بسیار بیمناک و فربه - که مقدار حجم آنها جز پروردگار کسی دیگر نمی‌تواند، اندازه کند- وارد دوزخ می‌شوند. در حدیثی که ابو هریره آن را از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل می‌کند، چنین آمده است: «ما بین منکبی الکافر مسیره ثلاثة ايام للراکب المسرع». صحیح مسلم، باب النار یدخلها الجبارون (2190/4). یعنی: (در روز قیامت لاشه‌ی کافر چنان بزرگ می‌شود که اسب سوار تند و تیز در طی سه روز می‌تواند فاصله‌ی میان دو شانه‌ی آن را بپیماید). بزرگی حجم و جسم کافر بخاطر آن است تا به عذاب و شکنجه اش افزوده شود. امام نووی در شرح این احادیث می‌فرماید: «همه اینها بخاطر آن است که شکنجه اش به حد نهائی برسند. آری ایمان به همه این کارها واجب است. چون رسول صادق المصدق بدان خبر داده است. شرح نووی علی مسلم: (186/17). ابن کثیر در شرح و توضیح این احادیث می‌گوید: «لیکون ذلک انکی فی تعذیبهم، واعظم فی تعبهم و لهیبهم، کما قال شدید العقاب: (لیذوقوا العذاب)» (نهاییه) لابن کثیر.

سوره زلزله

(این افزودگی به لاشه‌ی کافر بدان جهت است تا عذاب بیشتری را بچشد، همانطور که خدای شدید الغقاب می‌فرماید: تا عذاب را بچشند). والله اعلم

پناه‌گزیان عرش الهی :

بخاری و مسلم در صحیح خود از ابی هریره ، روایت می‌کند که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سَبَعَةٌ يُظِلُّهُمْ اللهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ طَلَبْتَهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللهُ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ أَخْفَى حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينَهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللهُ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ». (بخاری کتاب اذان، باب « من جلس فی مسجد».)

روزی که مردم در میدان محشر در گرمای سوزان آفتاب با سختی‌هایی مواجه می‌شوند که کوه‌های بلند و محکم تاب و توان تحمل آن را ندارند، هفت گروهی از برگزیدگان زیر سایه عرش الهی در نهایت آرامش و اطمینان به سر می‌برند و از این ناراحتی و هراسی که دیگران را فرا گرفته گزندی نمی‌بینند.

این دسته دارای همتی والا و عزم و اراده‌ی آهنینی هستند، عقیده اسلامی با خون و گوشت آنها عجین شده، زیرا ارزشهای متعالی اسلام بر آنها حکومت می‌کرد و یا مشغول کرداری بودند که در میزان اسلام دارای اهمیت و وزنه‌ی فراوانی بود.

- یکی از این راد مردان امام عادل است که با وجود قدرت و امکانات فراوان، از طغیان و فساد کردن فرسنگها فاصله گرفته و میان انسانها با عدالت رفتار می‌کند و عدل و قسط را مطابق با موازین و اصول شرعی پیاده می‌کند.

- یکی دیگر جوانی است که توام با بندگی خداوند پرورش یافته و نفس اماره را با لگام تقوی مهار کرده و به هوس و خواسته‌های نفس اماره، پاسخ رد داده و عمرش را بدون آرایش به گناه سپری نموده است.

- یکی دیگر کسانی اند که با طاعت و بندگی، مساجد خدا را آباد کرده و در فضای معنوی آنها احساس سکون و آرامش می‌کنند و هرگاه از مساجد جدا شوند، روح و روانشان همواره متوجه مسجد خواهد بود.

- یکی دیگر کسانی هستند که صرفاً بخاطر خداوند با همدیگر محبت و دوستی می‌کنند و پیوند برادری آنها فقط بخاطر خداوند است، گردهمایی‌اشان در نیکی و تقوی و اصلاح است و جدایی آنها نیز مبتنی بر اعمال نیک خواهد بود.

- یکی دیگر کسانی هستند که زمینه گناه و فتنه در شکل زیباترین زن‌ها برای شان فراهم می‌شود، اما تقوی و ترس از خدا نمی‌گزارد مرتکب عملی خلاف میل پروردگار شوند.

- یکی دیگر کسانی هستند که فقط برای خشنودی خداوند انفاق می‌کنند، و انفاق آنها در پنهانترین شیوه صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که خود هم از آن اطلاع پیدا نمی‌کنند.

- آخرین گروه کسانی هستند که دل‌هایشان سرشار و مملو از خوف خداوند است و بر اثر آن ترس و خوف در عالم تنهایی، اشک می‌ریزند.

سوره زلزله

خواندن نماز برای دفع زلزله:

قبل از همه باید گفت : که در شرع اسلامی برای دفع زلزله نمازی وجود ندارد، و هیچ حدیثی از شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده که ایشان (بجز برای کسوف) نمازی تحت عنوان دفع مصایب از جمله زلزله و یا دفع طوفان ها و سیل ها و غیره.. خوانده باشد .

بر همین استدلال است که برخی از علماء : نماز خواندن را بجز برای کسوف و خسوف روا نمی دانند.

ولی هستند تعدادی از فقهای مذاهب که با استناد به روایتی از حضرت ابن عباس رضی الله عنه حکم نموده اند که : خواندن نماز (به همان شیوه ای که برای نماز کسوف خوانده می شود) در وقت روی دادن هر نشانه ای از آیات الهی مانند : زلزله، طوفان، سیلابهای ویرانگر .. مستحب است؛ و روایت ابن عباس رضی الله عنه چنین است: «أنه صلى في زلزلة بالبصرة كصلاة الكسوف، ثم قال : هكذا صلاة الآيات» یعنی: «ابن عباس به دلیل زلزله شهر بصره همانند نماز کسوف خواند، سپس گفت : نماز آیات اینگونه است». این روایت را ابن ابی شیبة (472/2) و عبد الرزاق (101/3)، و بیهقی در « السنن الکبری» (343/3) آوردند و بیهقی گفته : این عمل از ابن عباس ثابت است، و حافظ ابن حجر در (فتح الباری (521/2) آنرا صحیح دانسته است.

علامه کاسانی حنفی می گوید : «نماز خواندن در وقت هر ترس و هراسی (که بر مردم وارد می شود) مستحب است، مانند : باد شدید، و زلزله، و تاریکی (در روز)، و باران مداوم؛ زیرا اینها از مخاوف هستند، و موجب هول و هراس اند..» (بدائع الصنائع (282/1).

و در کتاب « منح الجلیل شرح مختصر خلیل» (333/1) از کتب مالکیه آمده : «و نماز زلزله و دیگر آیات مخوف شبیه و یا و طاعون مستحب است، بصورت جماعت با دو رکعت یا بیشتر».

و اما حنابله تنها نماز زلزله را مستحب می دانند، و آنها هم به دلیل روایت ابن عباس، غیر آنرا مشروع نمی دانند. نگاه به : « کشاف القناع» (66/2) .

و در کتاب « التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید» (318/3) چنین آمده : «.. و امام مالک و شافعی معتقد به خواندن نماز در وقت زلزله و تاریکی (در روز) و باد شدید نبودند، ولی گروهی از اهل علم از جمله امام احمد و اسحاق و ابو ثور به نماز خواندن در این مواقع معتقد بودند، و از ابن عباس روایت شده که او در وقت زلزله نماز خوانده، و امام ابوحنیفه هم گفته : اگر کسی نماز بخواند خوب است، و اگر هم نخواند کدام ممانعتی ندارد .

و بعد مؤلف ادامه می دهد : از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده که در عصر ایشان زلزله آمده باشد و سنتی در این باره (یعنی خواندن نماز در وقت زلزله) به صحت نرسیده، و اولین زلزله در عهد اسلام در زمان خلافت عمر رضی الله عنه بوده است..

سوره زلزله

حماد بن سلمه از قتاده از عبدالله بن حارث روایت می کند که در شهره بصره زمین لرزید، ابن عباس گفت : والله نمی دانم زمین لرزید یا زمین (زیر پای) من بود، لذا بلند شد و همراه مردم نماز کسوف خواند.

و اما امام نووی در (المجموع (61/5) می گوید که : امام شافعی معتقد بود که نماز آیات را می توان بصورت انفرادی در خانه و بدون جماعت خواند.

و شیخ الاسلام ابن تیمیه معتقد بود که خواندن نماز در وقت هر نشانه ای از آیات الهی مشروع است، می گوید : «و نماز (به شیوه) کسوف برای هر آیتی مانند زلزله و غیر آن خوانده می شود، و این قول ابوحنیفه و روایتی از احمد و محققین حنابله و دیگران است.» (الفتاوی الکبری (358/5). و اما شیخ ابن عثیمین درباره خواندن نماز بغیر از کسوف و خسوف می گوید : «**علماء بر سه قول اختلاف نظر دارند :**

قول اول : برای هیچ آیتی نماز خوانده نمی شود بجز برای زلزله .
و اینها می گویند : در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم باد و طوفان و بارانهای شدید وجود داشته ولی نمازی برای این موارد نخواندند، اما برای زلزله به روایت ابن عباس و علی ابن ابیطالب رضی الله عنهم استناد می کنند که آنها در وقت زلزله نماز خواندند، پس حجت آنها عمل صحابی است.

قول دوم : تنها برای خورشید و ماه نماز خوانده می شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «**فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمَا فَصَلُّوا**». یعنی : «هرگاه خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی روی داد نماز بخوانید». متفق علیه.

بجز این دو برای هیچ آیتی از آیات تخویف (هولناک) نمازی خوانده نمی شود، و عمل ابن عباس اجتهاد شخصی ایشان بوده است.

قول سوم : برای هر آیت هولناکی نماز خوانده می شود.

و دلیل آنها چنین است :

1- عمومیت علت فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : «**إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ، يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِمَا عِبَادَهُ**». یعنی : «همانا خورشید و ماه دو نشانه از آیات الهی هستند، که خداوند بوسیله آن دو بندگان را می ترساند». مسلم (911).

و گفتند : هر آیتی که در آن ترس و هراس باشد، می توان برای آن نماز خواند.

2- سختی و هراسی که در بعضی آیات ایجاد می شود از سختی کسوف بیشتر است.

3- آنچه از عمل ابن عباس و علی رضی الله عنهم روایت شده، دلالت می کند که نماز تنها مختص کسوف نیست، و هر چیزی که تخویف و هراس داشته باشد می توان برای آن نماز خواند.

4- .. و اگر در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم بار و رعد و برق و مانند اینها بودند و نماز نخواندند، دلیل بر خلاف گفته ما نیست؛ زیرا ممکن است آن باد معمولی باشد و مردم به شدت آن عادت گرفته باشند و برای آنها ترسناک نبوده باشد، .. درست است که بعضی از رعد و برقها بسیار بزرگ و ترسناک است، ولی آیا رعد و برق زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم هم تا این حد ترسناک بوده؟ چه کسی می تواند ثابت کند که اینگونه بوده؟..

سوره زلزله

این رای سوم رای برگزیده شیخ الاسلام ابن تیمیه است که راجح هم همین است». (الشرح الممتع (193/5) باختصار اندک و جزئی).

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب:

- معلومات مؤجز
- ترجمه مؤجز
- پیام‌های سوره
- اسباب نزول
- فضیلت سوره زلزله
- محتوی سوره
- وجه تسمیه
- تفسیر سوره زلزله
- وظیفه کاری شیطان در روز حشر
- چگونگی حشر انسانها در روز قیامت
- پناه گزینان عرش الهی
- خواندن نماز برای دفع زلزله

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل

سوره زلزله

- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**